

# اقتصاد

دهم انسانی – یازدهم معارف اسلامی

مدرس : خانم مریم یابنده جهرمی

Lm.yabandeh@hotmail.com



@2080ir

www.2080.ir

info@2080.ir

آشنایی با  
شاخصهای  
اقتصادی

# اقتصاد

پایه نهمی

نام دبیر: مریم یابنده جهرمی  
استان فارس: شهرستان مرودشت

Lm.yabandeh@Hotmail.com

صفحه چهارم

YABANDEH

چگونه می‌توانیم میزان فعالیت‌های اقتصادی را در سطح جامعه اندازه‌گیری کنیم؟

اقتصاد دانان به دلایل زیر از آمارهای شاخص‌های اقتصادی استفاده می‌کنند

بررسی وضعیت موجود

اندازه‌گیری فعالیت‌های اقتصادی

مطالعه روند تغییرات اقتصادی

بررسی نتایج سیاست‌های اقتصادی

اندازه‌گیری دقیق سنجه‌ها و شاخص‌های اقتصادی بسیار مهم است زیرا

هرگونه اشتباه در اندازه‌گیری، موجب اشتباه در تشخیص بیماری اقتصادی و روند بهبود آن می‌شود.



چگونه می توانیم میزان فعالیت های اقتصادی را در سطح جامعه اندازه گیری کنیم ؟



بخش چهارم

YABANDEH



## حسابداری ملی

شاخه ای از مطالعات اقتصادی است که با ارائه شاخص های گوناگون به بررسی و اندازه گیری میزان فعالیت های اقتصادی در سطح ملی می پردازد.  
( برای مثال میزان صادرات، واردات، مصرف، تولید، سطح قیمت ها و ... را محاسبه می کند )

چگونه می توانیم میزان فعالیت های اقتصادی را در سطح جامعه اندازه گیری کنیم ؟



آمار های اقتصادی و حسابداری ملی از اهمیت زیادی برخوردارند زیرا

می توانند تصویری روشن از اقتصاد ، روند تغییرات اقتصادی و رفاه مردم ارائه دهند.

## تولید کل

کل کالا و خدماتی که در طول یک سال در جامعه تولید می شود.

❖ تولید کل مهم ترین متغیری است که حسابداری ملی به مطالعه آن می پردازد .

### تولید کل نشان دهنده موارد زیر است:

امکان پیشرفت  
جامعه در آینده

میزان سرمایه گذاری  
و پس انداز در جامعه

قدرت  
وتوان اقتصادی جامعه

درآمد  
و سطح رفاه جامعه

فعالیت تولیدی فعالیتی است که : کالاها و خدمات مورد نیاز افراد و جوامع از طریق آن ها تهیه می شود .

### شرایط فعالیت های تولیدی از نظر حسابداری ملی عبارت اند از

قانونی و مجاز باشد

فعالیت های غیر قانونی  
جزء تولید کشور  
محاسبه نمی شوند

به تولید کالا و خدمات نهایی منتهی  
شود

در محاسبه تولید کل  
فقط باید ارزش کالا های  
نهایی محاسبه شود و  
ارزش کالا های واسطه  
ای محاسبه نمی گردد.

از بازار عبور کند

تولید کننده کالا و  
خدمات را در قبال  
دریافت پول به مصرف  
کننده تحویل دهد.



فعالیت های غیر قانونی جزء تولید کشور محاسبه نمی شوند زیرا

- محاسبه آنها به معنی مشروعیت دادن به آنها است.
- اطلاع دقیقی از این نوع فعالیت ها در دست نیست.

در حسابداری ملی ارزش کالا های واسطه ای محاسبه نمی گردد زیرا

- ارزش کالا های واسطه ای در بطن کالاهای نهایی نهفته است و در غیر این صورت ارزش کالاهای واسطه ای دوبار محاسبه می شود.

مثال برای فعالیتی که از بازار عبور می کند .

- فعالیت زنان در ادارات فعالیت تولیدی است ، اما فعالیت زنان در منزل فعالیت تولیدی نیست زیرا پولی رد و بدل نمی شود .
- فعالیت فردی که خود اتومبیلش را تعمیر می کند تولیدی نیست ، اما اگر تعمیر کار آن را تعمیر کند چون پول پرداخت می شود تولیدی است .



تولید کل هر کشور بر اساس اینکه برای تحلیل، مرز مهم باشد یا ملیت به دو دسته تقسیم می شود

### تولید ملی

ارزش کالا و خدماتی که مردم یک کشور در طول یک سال در داخل و در خارج از کشور تولید می کند.

تولیدات مقیمان خارج از کشور + تولیدات مردم یک کشور

### تولید داخلی

ارزش کالا و خدماتی که در طول یک سال در یک کشور توسط مردم کشور و خارجیان مقیم آن کشور تولید می شود.

تولیدات خارجیان مقیم کشور + تولیدات مردم یک کشور

### هزینه استهلاك

بخشی از تولید کشور که طی یک سال باید صرف هزینه های جایگزینی و تعمیر سرمایه های فرسوده شود.

تولید کل کشورها براساس اینکه هزینه استهلاك را در نظر بگیریم یا نگیریم به دو دسته تقسیم می شود

#### تولید خالص

اگر هزینه استهلاك را از تولید ناخالص کم کنیم تولید خالص به دست می آید .

$$\text{تولید خالص} = \text{هزینه استهلاك} - \text{تولید ناخالص}$$

#### تولید ناخالص

اگر ارزش کل کالا و خدمات را در طول یک سال محاسبه کنیم تولید ناخالص به دست می آید.

$$\text{تولید ناخالص} = \text{ارزش خدمات} + \text{ارزش کالا}$$

با ترکیب دو تقسیم بندی قبلی می توان تولید را به دو دسته زیر تقسیم کرد

### تولید ناخالص ملی GNP

ارزش پولی تمام کالا و خدمات نهایی که در طول یک سال توسط یک ملت تولید شده است بدون در نظر گرفتن استهلاک .

### تولید ناخالص داخلی GDP

ارزش پولی تمام کالا و خدمات نهایی که در طول یک سال در درون مرز های جغرافیایی یک کشور تولید می شود بدون در نظر گرفتن استهلاک .

تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی از مهم ترین شاخص های اقتصادی هستند.

میزان بالای تولید ناخالص ملی و داخلی نشان دهنده موارد زیر است

قدرت اقتصادی و تولیدی بیشتر

درجه پیشرفت هر کشور

بهره وری بالاتر

استفاده بهینه از عوامل تولید

سطح زندگی افراد جامعه

تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی هرچند از نظر تعریف باهم متفاوت اند ولی در عمل تفاوتی با یکدیگر ندارند و به جای یکدیگر به کار می روند.

در دو دسته از کشورها نمی توان تولید ناخالص داخلی و ملی را به جای یکدیگر به کار برد

کشورهایی که نیروی کار و سرمایه زیادی از آنها خارج می شوند  
مانند لبنان

کشورهایی که نیروی کار و سرمایه ای زیادی از کشورهای دیگر به آنها وارد می شوند  
مانند هنگ کنگ

## هزینه استهلاک

بخشی از تولید کشور که طی یک سال باید صرف هزینه های جایگزینی و تعمیر سرمایه های فرسوده شود.

اگر کالایی با ارزش ۲۰۰۰۰۰۰۰ تومان دارای ۲۰ سال عمر مفید باشد هزینه استهلاک آن را در هر سال محاسبه کنید.

$$\text{هزینه استهلاک} = \frac{\text{ارزش کالا}}{\text{عمر مفید کالا}} \longrightarrow \frac{20000000}{20} = 1000000$$

در کشوری کالاهای زیر در مدت یک سال تولید شده است با توجه به رقم این تولیدات ، تولید ناخالص و خالص داخلی این کشور را محاسبه کنید .

مواد غذایی  $40 \times 200000 = 8000000$   
 ماشین آلات  $350 \times 2000000 = 700000000$   
 پوشاک  $5000 \times 20000 = 100000000$

نوع محصول	مقدار	قیمت به ریال
مواد غذایی	۴۰ تن	هر تن ۲۰۰۰۰۰
ماشین آلات	۳۵۰ دستگاه	هر دستگاه ۲۰۰۰۰۰۰
پوشاک	۵۰۰۰ عدد	هر عدد ۲۰۰۰۰
خدمات ارائه شده	-	۴۰۰۰۰۰۰۰
استهلاک سالانه	-	۵۰۰۰۰۰۰۰

تولید ناخالص = ارزش خدمات + ارزش کالا

$$8000000 + 700000000 + 100000000 + 400000000 = 848000000$$

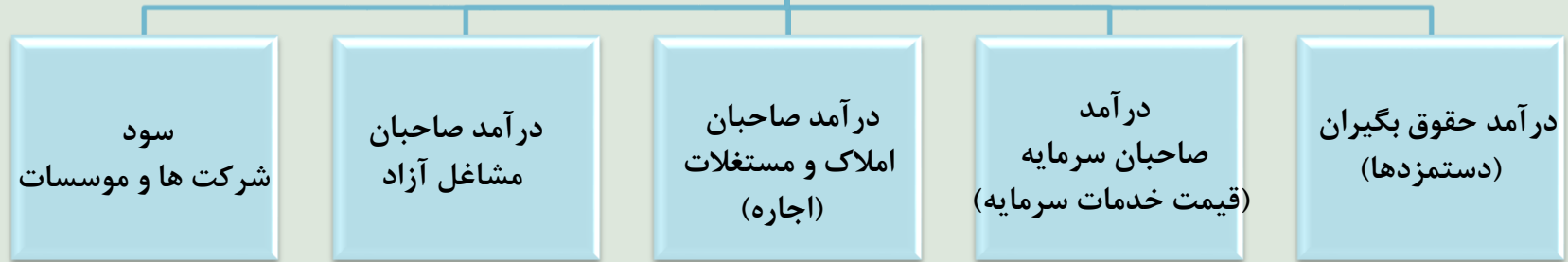
تولید خالص = هزینه استهلاک - تولید ناخالص

$$848000000 - 500000000 = 348000000$$



## درآمد ملی

مجموع درآمدهایی که در طول یک سال نصیب ملت می شود.  
که عبارتند از



درآمد ملی یا داخلی را می توان دقیقا معادل تولید دانست زیرا :

زیرا هر تولید ملی یا داخلی درآمدی برای تولیدکنندگان آن ها ایجاد می کند.

جدول زیر مبین اقلام مختلف درآمدی مربوط به یکسال اعضای یک جامعه فرضی است  
اگر جمعیت این کشور ۶۰ میلیون نفر باشد **درآمد ملی** و **درآمد سرانه** آن را حساب کنید .

$$\frac{1}{3} \times 1865880000 = 621960000 +$$

۱۸۶۵۸۸۰۰۰

۲۱۶۱۰۵۵۰۰

۳۹۴۶۳۹۴۰۰

۹۸۶۵۹۸۵۰۰

۸۶۴۴۲۲۰۰۰

---

درآمد ملی ۲۷۱۰۵۴۹۴۰۰



۱	دستمزدها	$\frac{1}{3}$ درآمد حقوق بگیران
۲	درآمد حقوق بگیران	۱۸۶۵۸۸۰۰۰
۳	درآمد صاحبان املاک و مستغلات	۲۱۶۱۰۵۵۰۰
۴	درآمد صاحبان مشاغل آزاد	۳۹۴۶۳۹۴۰۰
۵	سود شرکت ها و موسسات	۹۸۶۵۹۸۵۰۰
۶	درآمد صاحبان سرمایه	۸۶۴۴۲۲۰۰۰

$$\text{درآمد سرانه} = \frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت}} = \frac{2710549400}{60000000} = 45175823$$

- ★ متولیان حسابداری ملی برای جلوگیری از اشتباه در محاسبه تولید کل ، تولید کل را با دو روش انجام داده و نتایج آنها را با یکدیگر مقایسه می کنند.
- ★ بدیهی است هر سه روش جواب یکسانی به ما خواهند داد .

## روش های محاسبه تولید کل جامعه عبارتند از

روش ارزش افزوده	روش درآمدی	روش هزینه ای
<p>اگر ارزش افزوده های مراحل مختلف تولید را در بخش های مختلف اقتصادی با هم جمع کنیم تولید کل به روش ارزش افزوده به دست می آید .</p> <p>کل ارزش افزوده های بخش صنعت +                      کل ارزش افزوده های بخش خدمات                      + کل ارزش افزوده های کشاورزی</p>	<p>اگر درآمد همه فعالان اقتصادی داخلی یا ملی را با هم جمع بزنیم تولید کل به روش درآمدی به دست می آید .</p> <p>سود + مزد + اجاره</p>	<p>اگر ارزش کالا و خدمات نهایی که به خانوارها فروخته می شود را با یکدیگر جمع کنیم تولید کل به روش هزینه ای به دست می آید .</p> <p>ارزش کل کالاها + ارزش کل خدمات</p>

اگر بنگاه های اقتصادی ۵ میلیارد ریال بابت اجاره و ۲ میلیارد ریال بابت دستمزد و ۱/۵ میلیارد ریال بابت سود پرداخت کرده باشند.

الف ( تولید کل را محاسبه کنید .

ب ( نام روش محاسبه را بنویسید .

$$\text{سود} + \text{مزد} + \text{اجاره} = \text{تولید کل}$$

$$\frac{1}{5} + 2 + 5 = \frac{8}{5}$$

روش محاسبه درآمدی است

اگر ارزش افزوده بخش صنعت ۲۰۰ میلیون ریال ، ارزش افزوده بخش کشاورزی ۱۵۰ میلیون ریال ، ارزش افزوده بخش خدمات ۳۰۰ میلیون ریال باشد .

الف ( تولید کل را محاسبه کنید .

ب ( نام روش محاسبه را بنویسید .

$$\text{کل ارزش افزوده های بخش صنعت} + \text{کل ارزش افزوده های کشاورزی} = \text{تولید کل}$$

$$200 + 300 + 150 = 650$$

روش محاسبه ارزش افزوده است

❖ گاهی شاخص های مطلق تصویر خوبی از واقعیت ارائه نمی کنند به همین دلیل باید در مطالعات آماری برای دستیابی به تصویر دقیق تر و واقعی تر از شاخص های نسبی استفاده کنیم.

❖ برای به دست آوردن شاخص نسبی باید متغیر مورد نظر را نسبت به متغیر دیگری بسنجیم یعنی متغیر مورد نظر را بر متغیر دیگری تقسیم کنیم .

مثال

اگر مسابقه وزنه برداری بین فیل و مورچه برگزار شود و فقط به عدد مطلق وزنه ای که هر کدام بلند می کنند توجه کنیم ، قطعا همیشه فیل برنده است اما اگر رکورد وزنه آنها را به نسبت وزن آن ها مقایسه کنیم در این صورت مورچه برنده است زیرا مورچه قادر است چندین برابر وزن خود را بلند کند .

برای اینکه تصویری واقعی از میزان صادرات کشورها داشته باشیم و بتوانیم صادرات دو کشور یا یک کشور را در طول زمان با یکدیگر مقایسه کنیم باید :

میزان صادرات هر کشور را بر تولید ملی آنها تقسیم کنیم

میزان صادرات مالزی و جیبوتی را مقایسه کنید .

تولید ملی جیبوتی:  
صادرات جیبوتی:

۱۴۵۶ میلیون  
۵ میلیارد

صادرات نسبی:

$$\frac{5}{1456} = 0/003$$

تولید ملی مالزی:  
صادرات مالزی:

۳۲۶۹۳۳ میلیون  
۵۰ میلیارد

صادرات نسبی :

$$\frac{50}{326933} = 0/0001$$

با مثال بالا متوجه می شویم هر چند میزان عددی صادرات مالزی از جیبوتی بالاتر است اما با توجه به شاخص های نسبی کشور جیبوتی در زمینه صادرات موفق تر از مالزی می باشد .

برای مقایسه درآمد یا تولید ملی دو کشور با هم یا یک کشور در طول زمان باید :

درآمد یا تولید ملی را بر جمعیت آن ها تقسیم کنیم

میزان درآمد دو کشور  $y$  و  $x$  را مقایسه کنید .

۲۰۰۰۰ نفر  
۱۰۰۰۰۰۰۰ دلار

جمعیت کشور  $y$   
درآمد ملی کشور  $y$

$$\frac{10000000}{20000} = 500$$

درآمد سرانه کشور  $y$

۳۰۰۰۰ نفر  
۱۲۰۰۰۰۰۰ دلار

جمعیت کشور  $x$   
درآمد ملی کشور  $x$

$$\frac{12000000}{30000} = 400$$

درآمد سرانه کشور  $x$



بهترین شاخص ها برای مقایسه سطح زندگی و رفاه افراد  
جوامع مختلف عبارتند از:

تولید سرانه

درآمد سرانه



درآمد یا تولید سرانه

سهام متوسط هر فرد از میزان تولید یا درآمد  
جامعه می باشد .

شاخص های سرانه بهترین شاخص ها برای مقایسه سطح زندگی جوامع می باشند زیرا:

جمعیت کشورهای جهان مختلف است و شاخص های سرانه سهم هر فرد را از تولید و درآمد جامعه مشخص می کند.

## محاسبه به قیمت ثابت و پاری



شاخص های نشان دهنده تولید کل جامعه  
(تولید ناخالص ملی ، داخلی و ... )  
بر حسب واحد پول سنجیده می شود .  
زیرا:

نمی توانیم کالاهای مختلفی را که در یک  
کشور تولید می شود را با هم جمع بزنیم  
اما می توانیم ارزش پولی آنها را محاسبه  
و حاصل جمع آنها را معلوم کنیم.



❖ توجه داشته باشید که اگر ارقام تولید کل کشوری در طول سال های متوالی افزایش داشته باشد ، نمی توان آن افزایش را حتما به حساب افزایش مقدار تولید کشور گذاشت .

۱- در سال ۱۳۹۰ برداشت محصول یک کشاورز ۱۰۰۰ کیلو گرم گندم بود که آن را به قیمت هر کیلو ۵۰۰ تومان فروخت ارزش تولید وی را حساب کنید .

$$۱۰۰۰ * ۵۰۰ = ۵۰۰۰۰۰ \quad \text{ارزش تولید سال ۱۳۹۰}$$

۲- در سال ۱۳۹۱ برداشت محصول همین کشاورز ۱۰۰۰ کیلو گرم گندم بود که آن را به قیمت هر کیلو ۷۰۰ تومان فروخت .

$$۱۰۰۰ * ۷۰۰ = ۷۰۰۰۰۰$$

$$۷۰۰۰۰۰ - ۵۰۰۰۰۰ = ۲۰۰۰۰۰$$

الف) ارزش تولید وی را حساب کنید .

ب) افزایش تولید نسبت به سال ۹۰ را حساب کنید .

ج) افزایش تولید ناشی از چیست ؟ افزایش قیمت گندم

۲- در سال ۱۳۹۲ برداشت محصول همین کشاورز ۱۲۰۰ کیلو گرم گندم بود که آن را به قیمت هر کیلو ۸۰۰ تومان فروخت .

$$۱۲۰۰ * ۸۰۰ = ۹۶۰۰۰۰$$

$$۹۶۰۰۰۰ - ۷۰۰۰۰۰ = ۲۶۰۰۰۰$$

الف) ارزش تولید وی را حساب کنید .

ب) افزایش تولید نسبت به سال ۹۱ را حساب کنید .

ج) افزایش تولید ناشی از چیست ؟ افزایش قیمت گندم و افزایش مقدار تولید گندم

محاسبه ارزش پولی تولید کل به دو روش انجام می شود .

محاسبه به قیمت ثابت

محاسبه به قیمت جاری

افزایش ارزش پولی تولید کل یک کشور می تواند ناشی از سه مورد باشد .

افزایش قیمت و تولید کالا و خدمات

افزایش قیمت کالا و خدمات

افزایش تولید کالا و خدمات

با محاسبه به قیمت جاری می توانیم مشخص کنیم که رقم ارزش پولی تولید کل ، افزایش داشته است یا خیر؟

اما نمی توانیم مشخص کنیم که افزایش یا کاهش تولید ناشی از چیست .

با محاسبه به قیمت ثابت می توانیم مشخص کنیم که رقم ارزش پولی تولید کل ، افزایش داشته است یا خیر؟

و می توانیم مشخص کنیم که افزایش یا کاهش تولید ناشی از چیست .

تولید کل به قیمت جاری = قیمت کالا در همان سال × مقدار کالا در سال مورد نظر

فرض کنید ایران فقط دو نوع کالا تولید می کند . با توجه به جدول زیر تولید کل ایران را ( به قیمت جاری ) در سال ۹۶ و ۹۵ و ۹۴ محاسبه کنید .

کالا	سال ۱۳۹۴		سال ۱۳۹۵		سال ۱۳۹۶	
	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت
سیب	۳۰۰۰ کیلو	۱۰۰	۳۰۰۰	۱۵۰	۳۲۰۰	۱۲۰
لوح فشرده	۲۰۰۰ عدد	۲۰۰	۱۵۰۰	۲۲۰	۲۵۰۰	۱۵۰

تولید کل

تولید لوح فشرده

تولید سیب

$$۳۰۰۰۰۰ + ۴۰۰۰۰۰ = ۷۰۰۰۰۰ \quad \text{سال ۹۴}$$

$$۲۰۰۰ * ۲۰۰ = ۴۰۰۰۰۰$$

$$۳۰۰۰ * ۱۰۰ = ۳۰۰۰۰۰$$

$$۴۵۰۰۰۰ + ۳۳۰۰۰۰ = ۷۸۰۰۰۰ \quad \text{سال ۹۵}$$

$$۱۵۰۰ * ۲۲۰ = ۳۳۰۰۰۰$$

$$۳۰۰۰ * ۱۵۰ = ۴۵۰۰۰۰$$

$$۳۸۴۰۰۰ + ۳۷۵۰۰۰ = ۷۵۹۰۰۰ \quad \text{سال ۹۶}$$

$$۲۵۰۰ * ۱۵۰ = ۳۷۵۰۰۰$$

$$۳۲۰۰ * ۱۲۰ = ۳۸۴۰۰۰$$

سال ۱۳۹۶		سال ۱۳۹۵		سال ۱۳۹۴		کالا
مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	
۳۲۰۰	۱۲۰	۳۰۰۰	۱۵۰	۳۰۰۰ کیلو	۱۰۰	سیب
۲۵۰۰	۱۵۰	۱۵۰۰	۲۲۰	۲۰۰۰ عدد	۲۰۰	لوح فشرده

تولید کل سال ۹۴  
 $300000 + 400000 = 700000$

تولید کل سال ۹۵  
 $450000 + 330000 = 780000$

تولید کل سال ۹۶  
 $384000 + 375000 = 759000$

❖ اگر بخواهیم تولید کل سال ۱۳۹۴ را با سال ۱۳۹۵ مقایسه کنیم متوجه می شویم که تولید کل در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴ ۸۰۰۰ واحد افزایش یافته است اما با نگاهی به اعداد جدول متوجه می شویم که مقدار تولید سیب ثابت مانده و تولید لوح فشرده نیز کاهش یافته است پس این افزایش تولید به چه دلیل است؟ **دلیل آن افزایش قیمت در سال ۱۳۹۵ می باشد.**

### راه حل اقتصاددانان برای از بین بردن اثر قیمت در محاسبه تولید کل

سال معینی را به عنوان «سال پایه» انتخاب می کنند و ارزش تولیدات هر سال را بر حسب قیمت کالا و خدمات در سال پایه محاسبه می کنند.

تولید کل به قیمت ثابت = قیمت کالا در سال پایه × مقدار کالا در سال مورد نظر

فرض کنید ایران فقط دو نوع کالا تولید می کند . با توجه به جدول زیر تولید کل ایران را ( به قیمت ثابت ) در سال ۹۶ و ۹۵ و ۹۴ محاسبه کنید .

سال ۱۳۹۶		سال ۱۳۹۵		سال ۱۳۹۴		کالا
مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	مقدار	قیمت	
۳۲۰۰	۱۲۰	۳۰۰۰	۱۵۰	۳۰۰۰ کیلو	۱۰۰	سیب
۲۵۰۰	۱۵۰	۱۵۰۰	۲۲۰	۲۰۰۰ عدد	۲۰۰	لوح فشرده

تولید سیب

$$۳۰۰۰ * ۱۰۰ = ۳۰۰۰۰۰$$

$$۳۰۰۰ * ۱۰۰ = ۳۰۰۰۰۰$$

$$۳۲۰۰ * ۱۰۰ = ۳۲۰۰۰۰$$

تولید لوح فشرده

$$۲۰۰۰ * ۲۰۰ = ۴۰۰۰۰۰$$

$$۱۵۰۰ * ۲۰۰ = ۳۰۰۰۰۰$$

$$۲۵۰۰ * ۲۰۰ = ۵۰۰۰۰۰$$

تولید کل

$$۳۰۰۰۰۰ + ۴۰۰۰۰۰ = ۷۰۰۰۰۰ \quad \text{سال ۹۴}$$

$$۳۰۰۰۰۰ + ۳۰۰۰۰۰ = ۶۰۰۰۰۰ \quad \text{سال ۹۵}$$

$$۳۲۰۰۰۰ + ۵۰۰۰۰۰ = ۸۲۰۰۰۰ \quad \text{سال ۹۶}$$



اقتصاد دانان برای محاسبه شاخص های زیر از متغیر هایی با قیمت ثابت استفاده می کنند

مصرف و ...

واردات

صادرات

تولید کل

اقتصاددانان به سیاست گذاران، اهالی رسانه و مردم توصیه می کنند هرگاه پای مقایسه در میان است برای محاسبه شاخص ها از متغیر هایی با قیمت ثابت استفاده می کنند زیرا:

استفاده از متغیرهای اسمی به جای متغیرهای واقعی بسیار غلط انداز است.

مثال

اگر دستمزد کارکنان دولت ۱۰٪ افزایش یابد و در همان زمان تورم ۱۰٪ باشد قدرت خرید مردم تغییری نکرده و این افزایش بی معنی است.

اگر سود سپرده بانک ها ۱۲٪ باشد و در همین زمان تورم هم ۱۲٪ باشد در واقع فقط ۲٪ سود واقعی به مردم پرداخت شده است.

اگر رسانه ها افزایش صادرات کشور را ۲۰٪ اعلام کرده باشند و تورم جهانی در همان زمان ۳۰٪ اعلام شده باشد نه تنها کشور با افزایش صادرات روبرو نبوده بلکه ۱۰٪ کاهش نیز داشته است.